

## Backgrounds and contexts for the formation of Salafist-Takfiri Currents in the Islamic world; Coping strategies, vision for the future<sup>1</sup>

Morteza Babaei

Ph.D. Islamic Revolution trend, Shahid Beheshti University, Tehran; Department of Education, Qom, Iran.  
morteza.babaei88@gmail.com

### Abstract

Throughout the ups and downs in the history of Islam, there have been groups, currents of thought, and individuals who have excommunicated their opponents from other sects and religions of Islam and expelled them from the religion of Islam under false pretenses, and considered their blood, wealth, and honor permissible. This destructive phenomenon, pioneered by the Kharijites, has manifested itself in the Salafist-Takfiri extremist currents over the past two centuries, and in the light of recent developments in the region, they have found a good opportunity to implement their thoughts and ideas with the support of their supporters. Undoubtedly, the emergence of insecurity and chaos in Islamic countries, the killing of innocent people, the emergence of terror groups such as al-Qaeda, the Companions Corps, Jundallah groups, the Taliban, Jaish-e-Adl, Jabhat al-Nusra, ISIS, etc. who have made terror their top priority is part of the consequences of the idea of takfir; and its worse consequence is to tarnish the image of Islam and Muslims around the world and to make the religion of Islam hated by the world. Therefore, accurate knowledge and analysis of the backgrounds and contexts of the formation of these currents in the Islamic world is essential and will help us in a deep understanding and analysis of their behaviors. The present study uses the analytical-descriptive method while referring to the historical background of Takfiri currents in the Islamic world, to explain and analyze the fields and intellectual, regional and international, geographical and political, as well as sociological forms of this formation.

**Keywords:** The formation of Salafist-Takfiri, Islamic State of Iraq and the Levant, crusade, caliphate, Takfiri.

## زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری جریان‌های سلفی - تکفیری در جهان اسلام؛ راهکارهای مواجهه، چشم‌انداز آینده<sup>۱</sup>

مرتضی بابائی

دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش انقلاب اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران؛ مدرس گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. [morteza.babaei88@gmail.com](mailto:morteza.babaei88@gmail.com)

### چکیده

در طول تاریخ پر فراز و نشیب اسلام گروه‌ها، جریان‌های فکری و افرادی بوده‌اند که مخالفان خود از سایر فرقه‌ها و مذاهب اسلامی را تکفیر و به بهانه‌های واهی آنان را از دین اسلام خارج و خون، مال و ناموس آنان را مباح دانسته‌اند. این پدیده مخرب که طلایه‌دار آن خوارج بودند، طی دو قرن اخیر در جریان‌های تندروی سلفی - تکفیری تجلی پیدا کرده است و در سایه تحولات اخیر منطقه، آنان فرصت مناسبی یافته‌اند که با پشتیبانی حامیان‌شان، افکار و اندیشه‌های خود را پیاده نمایند. بی‌تردید بروز ناامنی و هرج و مرج در کشورهای اسلامی، کشتار مردم بی‌گناه، ظهور گروه‌های وحشت و ارباب همچون القاعده، سپاه صحابه، گروه‌های جندالله، طالبان، جیش العدل، جبهه النصره، داعش و... که وحشت و ترور را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند، بخشی از پیامدهای اندیشه تکفیر است و پیامد ناگوارتر آن مخدوش کردن چهره اسلام و مسلمانان در سراسر جهان و منفور شدن دین اسلام در نزد جهانیان می‌باشد. لذا، شناخت و تحلیل دقیق زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری این جریان‌ها در جهان اسلام ضروری است و به ما در فهم عمیق و تحلیل رفتارهای آنان کمک شایانی می‌نماید. پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی ضمن اشاره به پیشینه تاریخی جریان‌های تکفیری در جهان اسلام، به تبیین و واکاوی زمینه‌ها و بسترهای فکری و اندیشه‌ای، منطقه‌ای و بین‌المللی، جغرافیایی و سیاسی و همچنین جامعه‌شناختی شکل‌گیری این جریان پرداخته است.

**کلیدواژه‌ها:** جریان‌های سلفی - تکفیری، داعش، جهاد، خلافت، تکفیر

## ۱. مقدمه

جهان اسلام در حال حاضر شاهد گرایش‌های انحرافی جدیدی در قالب مبارزه با بدعت، شرك و تشکیل خلافت اسلامی است و به این بهانه جنایت‌های بسیاری در کشورهای اسلامی صورت می‌گیرد.

بی‌تردید این جریانات دفعتاً ظهور و بروز نکرده و ریشه‌ها و عوامل گوناگونی در شکل‌گیری آنها موثر بوده است که در ادامه ضمن اشاره مختصر به پیشینه تاریخی آن، عوامل موثر در شکل‌گیری این جریان‌های افراطی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲. گذری بر پیشینه تاریخی جریان‌های تکفیری

پیشینه تکفیر در جهان اسلام، به صدر اسلام بازمی‌گردد. برخی حوادث مهم تاریخ اسلام به سبب تکفیر روی داده است، همچنان که برخی رخدادهای سیاسی و اجتماعی زمینه تکفیر را فراهم کرده است. از جمله رویدادهای مهم دوران پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) جنگ‌های رده در زمان خلیفه اول بود که دستگاه خلافت معارضان خود را کافر و خارج از دین خواند (ابن اعثم کوفی، ۱۹۹۱م، ص ۱۵؛ سیوطی، ۱۹۷۴م، ص ۶۹۷). واقعه مهم تاریخی دیگر غائله خوارج است. این جریان تکفیری مخالفان خود را کافر و خون و مالشان را حلال می‌دانست. پیدایش این فرقه به نیمه نخست قرن اول هجری و نبرد صفین برمی‌گردد که با حيله عمرو بن عاص از سپاه امیرالمومنین (ع) جدا شدند و جریان جدیدی را بنا نهادند.

خوارج به فرقه‌های متعددی تقسیم شدند، اما تکفیر امیرالمومنین علی (ع)، عثمان بن عفان، حکمین، تمام اصحاب جمل، هر کسی راضی به تحکیم حکمین شود و در نهایت تکفیر تمام کسانی که گناه کبیره‌ای مرتکب شوند، وجه مشترك اعتقادی تمام فرقه‌های خوارج به شمار می‌رود (بغدادی، ۱۹۷۷م، ص ۵۵). در مقابل، بعضی از مسلمانان، از جمله برخی از مذاهب اهل سنت، خوارج را تکفیر می‌کردند (شوشتری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۲۱).

پس از خوارج نیز افراد و گروه‌هایی بوده‌اند که به بهانه‌هایی همچون خلق قرآن، تشبیه و... مخالفان خود را کافر قلمداد کرده‌اند، اما مهم‌ترین شخصیتی که تاثیرگذاری زیادی بر جریان‌های افراطی و تکفیری هفت قرن اخیر داشته، ابن تیمیه حرانی از علمای حنابله است. او نخستین کسی است که به بهانه توسل، تبرک، شفاعت، زیارت قبور و... تمام مسلمانان را تکفیر و در مواردی بر وجوب جهاد با آنان فتوا داد. پس از وی شاگردان او از جمله ابن قیم جوزی، راه او را ادامه دادند و

مطالب فراموش شده‌اش را بار دیگر بر سر زبان‌ها انداختند.

با تلاش علما و دانشمندانی همچون سبکی شافعی، ابن حجر هیثمی، ذهبی و پاسخ‌های قاطع آنان به سخنان باطل ابن تیمیه، افکار او از مرحله اندیشه فراتر نرفت و در بین کتاب‌هایش دفن شد.<sup>۱</sup> اما در قرن دوازدهم با ظهور محمد بن عبدالوهاب و پیمان او با محمد بن سعود در سال ۱۱۵۷ق در درعیه عربستان این افکار از مرحله اندیشه به مرحله عمل رسید و بار دیگر فتوهای ابن تیمیه زنده شد.

محمد بن عبدالوهاب، مخالفان آئین وهابیت را کافر حربی می‌دانست و به راحتی واژه‌هایی همچون مشرک، کافر، حلال‌المال و الدم را درباره مسلمانان به کار برد و محمد بن سعود که فرماندهی لشکر و اجرای فتوای وی را داشت، به کشتار بی‌رحمانه مسلمانان نجد، مکه و مدینه و سایر سرزمین‌های اسلامی پرداخت. کشتار مردم ریاض، مکه، کربلا و به اسارت بردن نوامیس مسلمانان و غارت اموال‌شان، نتیجه مستقیم فتوهای تکفیری محمد بن عبدالوهاب بود که به وسیله حاکمان آل سعود انجام شد.<sup>۲</sup>

از زمان ظهور محمد بن عبدالوهاب تاکنون نزدیک به سه قرن گذشته است. در این مدت، جریان‌های وهابی‌گری با افت‌وخیزهای زیادی مواجه بوده‌اند. در سال ۱۲۳۳ق حکومت وهابیت با دستگیری عبدالله بن سعود به دست ابراهیم پاشا، پسر محمدعلی پاشا حاکم عثمانی مصر و گردن زدن عبدالله در میدان بایزید استانبول در عهد سلطان محمدخان عثمانی، به صورت کامل از بین رفت، اما ترکی بن عبدالله در سال ۱۲۳۶ق بار دیگر توانست منطقه درعیه را تصرف و حکومت وهابیت را دوباره احیاء کند.

حکومت دوم آنها نیز با درگیری‌های داخلی، در سال ۱۲۶۳ق به دست آل رشید سرنگون شد، اما در سال ۱۳۱۹ق بوسیله عبدالعزیز بن عبدالرحمن و با حمایت و پشتیبانی مستقیم دولت بریتانیا

۱. سبکی می‌گوید: افکار ابن تیمیه هیچ‌گونه هماهنگی با عقیده عموم مسلمین ندارد و در عقاید اسلامی بدعت گذاشت و ارکان اسلام را درهم شکست. همچنین ابن هیثم گوید: خدا او را خوار و گمراه و کور و کر کرده است. ذهبی می‌نویسد: او نیکان را تحقیر نمود و بیشتر طرفدارانش، انسان‌هایی عقده‌ای، کم عقل و یا عامی، دروغگو، کند ذهن و حيله‌گر می‌باشند (طبسی، ۱۳۸۵، ص ۲۳).

۲. به عنوان نمونه در سال ۱۲۱۶ق. امیر سعودی وهابی، شهر کربلا را به تصرف درآورد و حدود پنج هزار نفر را به قتل رساندند (فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ص ۳۳).

برای بار سوم سربرآورد و تاکنون به حیات خود ادامه داده است (یزدانی، ۱۳۹۳، ص ۲۲). وهابیان امروزه از اطلاق عنوان وهابی بر خود پرهیز می‌کنند و درصدد تعویض آن به سلفیه برآمده‌اند. می‌گویند ما تابع يك شخص (محمد بن عبدالوهاب) نیستیم، بلکه تابع يك خط فکری به نام سلفیه هستیم (فرمانیان، ۱۳۹۳، ص ۲۳). البته در تعریف عملیاتی از مفهوم سلفی‌گری می‌توان آن را مقوله‌ای دارای مراتب دانست که در عالم خارج، طیف وسیعی از سلفی‌گری سنتی و معتدل تا سلفی‌گری افراطی را دربر می‌گیرد. در واقع، امروزه جریان‌های سلفی واژه سلف را مصادره به مطلوب کرده و حتی مفهوم اهل سنت را عمدتاً در تقابل با شیعیان به کار می‌برند. بنابراین، ضمن هشدار درباره یکسان‌نگاری سلف‌گرایی و سلفی‌گری و تأکید بر تمایز بین جریان‌های سلفی‌گری با اهل سنت و فرق اسلامی، حد فاصل اینها را باید در مبانی و ایده‌های پایه‌ای جستجو کرد (سیدنژاد، ۱۳۸۹، ص ۹۸). جریان سلفی‌گری در حوزه روش‌شناسی، نقل‌گرا، در حوزه معرفت‌شناسی، حدیث‌گرا، در حوزه هستی‌شناسی، حس‌گرا و در حوزه معناشناسی، ظاهرگرا است. به عبارت دیگر، اندیشه سلفی همیشه عقل‌ستیز و کاملاً ارتجاعی است و در شمول مذاهب چهارگانه اهل سنت نیست (ابراهیمی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۳۶۸).

### ۳. زمینه‌های فکری و اندیشه‌ای

به لحاظ اندیشه، اسلام‌گرایان سلفی در بستر اندیشه اهل سنت شکل گرفته و در دوره معاصر طیفی از جریان‌های مختلف مانند سلفیه اصلاحی (اخوان)، سلفیه تقلیدی (وهابیت عربستان)، سلفیه جهادی (القاعده و داعش)، سلفیه سروری (ترکیبی از سلفیه وهابی و اندیشه سید قطب)، سلفیه جامی (توسط شیخ محمد امان‌الله جامی)، و سلفیه مدخلی (که توسط شیخ ربیع بن هادی المدخلی شکل گرفت) را دربرمی‌گیرد (شیخ حسینی، ۱۳۹۳، ص ۷۰). جریان‌های سلفی- تکفیری (جهادی) به دلیل اتخاذ رویکردهای متفاوت و فهم و تفسیری ساختگی و قرائت خشن و متحجرانه از اسلام (قرآن و سنت) و همچنین ترویج بدعت‌های خودساخته<sup>۱</sup>، در زمینه‌های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی از اندیشه اهل سنت فاصله گرفته و مدل حکومتی متمایزی را ارائه نموده‌اند. الگوی حکومتی موردنظر این جریان با حکومت‌های سنتی اقتدارگرا همخوانی دارد. از

۱. برخی از بدعت‌های این گروه عبارت است از: جهاد نکاح، تخریب قبور، تکفیر و به غنیمت گرفتن مسلمین.

مولفه‌های بنیادین اندیشه سیاسی سلفی - تکفیری، جهاد به عنوان تنها راه‌حل گذار از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی است. به همین دلیل جهاد اوجب واجبات و بالاترین عبادت تلقی شده و تنها طریق برای خروج از جهان جاهلی و نیل به حکومت و خلافت اسلامی است. نگاه سلبی این جریان به جامعه امروز و تلقی جامعه جاهلی از آن، از سویی و به تبع، نگاه آرمانی به عصر خلفای راشدین و سلف صالح، از سوی دیگر، زمینه تأمل آنها در راه‌های خروج از جامعه جاهلی امروز و دستیابی به الگوهای زندگی اجتماعی و سیاسی سلف صالح و به ویژه خلافت را سبب شده است. از جمله گزاره‌های تقریباً اجماعی میان متفکران و رهبران جریان سلفی - تکفیری، ضرورت تشکیل دارالخلافة علی منہج النبی می‌باشد. البته در تاکتیک‌های نیل به این آرمان، میان رهبران سلفی اختلاف نظر وجود دارد.

عبدالسلام فرج از رهبران سلفی تکفیری مصری در الفریضه الغائبه در ضرورت اقامه حکومت می‌نویسد: اقامه احکام الهی بر روی زمین بر همه مسلمین واجب بوده و به تبع این وجوب، برپایی دولت اسلامی نیز بر مسلمین واجب است، چراکه آن واجب تمام نمی‌شود، مگر به انجام این واجب. همچنین زمانی که دولت اسلامی اقامه نشود، مگر به قتال، پس قتال نیز واجب می‌شود. جریان سلفی تکفیری با عنایت به اینکه حکومت خلفای راشدین را حکومت آرمانی خود معرفی می‌کند، لذا هر نظم سیاسی در قالب خلافت غیر این را برنمی‌تابد و به اعتقاد اینها حکومت تغلیبه موجود در کشورهای اسلامی، مرتد و کافر محسوب می‌شوند و حتی قیام علیه‌شان به عنوان دشمن قریب واجب عینی است. این برخلاف دیدگاه خلافت در نظریه‌های قدیم و نیز جدید اهل سنت است، چراکه در نظریه‌های قدیم، استیلاء و تغلب را یکی از منابع مشروعیت دانسته و قیام علیه آنان را مجاز نمی‌دانند و یا در نظریه‌های جدید اهل سنت که نظام‌های مدرن نظیر دموکراسی را می‌پذیرند، در حالی که در حکومت آرمانی سلفی تکفیری (خلافت راشدین) اقتدارگرایی چنان گسترده است که سخنی از آزادی و مشارکت سیاسی مردم مطرح نیست، به گونه‌ای که مظاهر مشارکت جدید همچون دموکراسی، انتخابات، تفکیک قدرت، به شدت مورد طرد قرار گرفته و حتی آنها را مظاهر شرك و كفر تلقی کرده و تمسك به آنها را موجب كفر و شرك خوانده است. این رویکرد سلبی نسبت به دموکراسی به حدی می‌باشد که گروه داعش آن را توجیهی برای قتل ۱۵۰۰ نفر از اهل سنت و وابسته به ارتش آزاد سوریه دانسته و می‌نویسد: اینها کمک‌کنندگان به ارتش آزاد بودند که تصریح دارد به برپایی دموکراسی و این در نظر علمای

خودشان هم کفر است، چراکه بر سکولاریسم ابتناء دارد. به عبارت دیگر، علت مخالفت‌شان با دموکراسی این است که حکومت براساس بغیر ما انزل الله شکل می‌گیرد و طبق قوانین وضعی بشری یا عرف‌ها و تقالید حکم می‌کنند که این کفر و شرک می‌باشد. مبنای مرزبندی سیاسی این جریان، همان عقیده بوده و اساساً دارالاسلام مورد نظر این جریان به دلیل وحدت در عقیده، مغایر با مرزبندی‌های ملی است. لذا، گروه داعش با تبلیغات وسیع و معرفی دولت خود به عنوان خلافت اسلامی راشده، سعی در أخذ بیعت از مسلمانان دارد و در همین راستا گروه‌های سلفی از اندونزی تا مغرب، با داعش بیعت کرده‌اند. در نقشه سیاسی که داعش برای خلافت اسلامی منتشر کرده است، کل سرزمین‌های اسلامی از غرب چین تا اندلس را فرامی‌گیرد و حتی در نام‌گذاری مناطق و سرزمین‌های اسلامی از اسامی همان مقاطع زمانی بهره برده شده است (نبتیان، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۲۸-۴۱۷).

براساس اندیشه این جریان، دنیا به توحید و شرک تقسیم می‌شود، یعنی بخشی که مومن بوده و بخشی که غیر مومن هستند و بین اینها رابطه جنگی برقرار می‌کند. براساس آموزه‌هایشان، با دو جریان درگیر می‌شوند: اول گروه‌ها و فرقه‌هایی که به نظرشان جامعه را تهدید می‌کنند که این را اصطلاحاً *عدو قریب* می‌گویند و دوم استعمار یا دشمن بیرونی است که این را اصطلاحاً *عدو بعید* می‌نامند، ولی بیشترین درگیری‌شان با داخل و *عدو قریب* است. از نتایج چنین روشی، برجسته شدن اصل عملی جهاد است که به رادیکالیسم و کاربرد خشونت تحت عنوان جهاد منجر می‌شود. می‌توان گفت دیدگاه‌های مودودی و سید قطب همراه عبدالسلام فرج، چارچوب فکری بسیاری از اسلام‌گرایان سلفی را در دهه‌های ۹۰ و ۸۰ میلادی طراحی و پایه‌ریزی نمود.

مفهوم جهاد، اصلی کلیدی در اندیشه سید قطب است که آن را حرکتی تهاجمی و نه صرفاً تدافعی تفسیر می‌کند. به نظر وی ما موظفیم جامعه جاهلی را به سمت جامعه الهی تبدیل کنیم، مانند حرکت خود پیامبر (ص). برخی از عبارات کتاب *معالم فی الطریق* را به سادگی می‌توان دعوتی آشکار به استفاده از خشونت علیه جامعه اسلامی موجود تفسیر کرد. هر کشوری که با مسلمانان به خاطر عقیده‌شان سر جنگ داشته باشد و مانع از عمل به دینشان شود و در آن شریعت تعطیل گردد، دارالحرب است، حتی اگر خانواده و خویشان با مردمش در آن زندگی کنند. از نظر وی مسلمانان واقعی آنهایی هستند که در راه اعتلای حق به جهاد مشغول‌اند. او به نقل تاییدی از ابن قیم، مدعی می‌شود که پیامبر (ص) در مدینه مأمور شد که علاوه بر دعوت، از جنگ نیز استفاده

کند، ولی تنها با کسانی که با وی جنگ می‌کنند. اما بعد از این مرحله در نهایت دستور خدا این است که مسلمانان تا استقرار نهایی دین با تمام مشرکان بجنگند. سید قطب در انتقاد از کسانی که جهاد در اسلام را تنها دفاعی می‌دانند، آنها را شرق‌شناسانی معرفی می‌کند که می‌خواهند ماهیت و هدف اسلام را تغییر دهند. پس از سید قطب، محمد عبدالسلام فرج، مفهوم الفریضه الغائبه را مطرح کرد. به نظر وی اسلام به زور شمشیر گسترش یافته و جهاد دفاعی مردود است و جهاد تا قیامت ادامه خواهد داشت (بخشی شیخ احمد، ۱۳۸۵، ص ۱۹۴). به این ترتیب، مفهوم جهاد یکی از لوازم بازگشت به عظمت اسلامی تلقی گردیده و خشونت به عنوان مکانیسم اعمال ایده‌ها به کار گرفته شد. اینکه آیا شرایطی برای جهاد هست یا نه، اهمیتی ندارد و به حاشیه می‌رود و این در حالی است که در اندیشه علمای سنتی، جهاد باید براساس فرمان باشد (غفاری، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۳۰-۲۲۲). لذا، جهادگرایی این گروه‌ها به‌عنوان یک رویکرد تهاجمی، خشونت‌بار و صرفاً به معنای قتال، به‌گونه‌ای تحول یافته و به آن عمل شده که با فقه اهل سنت تعارضاتی پیدا کرده است.<sup>۱</sup> جهاد از نظر گروه‌های سلفی - تکفیری بیش از یک حکم فقهی فرعی و در ردیف اصول اولیه دین اسلام اهمیت یافته است. تکفیری‌ها بر این عقیده‌اند که جهاد، ترور و جنگ با دشمنان خدا، امری ضروری و تکامل‌بخش دعوت مسالمت‌آمیز به تشکیل حکومت اسلامی است. آنان با تمسک به آیات الهی، آرای فقهای سلفی و وهابی و تفسیرهای خاص خود، جهاد ابتدایی، تروریسم و هرگونه خشونت علیه هر کسی را موجه جلوه داده و آن را مصداق جهاد در راه خدا می‌دانند.

این شکل تفسیر از جهاد، که اولاً آن را از دایره فتوای علمای مسلمان خارج کرده و ثانیاً آن را صرفاً به معنای قتال معرفی می‌کند، بهترین زمینه را برای رسیدن به اهداف شوم این جریان‌ها فراهم کرده است. با توجه به مبانی نظری ذکر شده که جریان‌ها تکفیری - جهادی بر مبنای آن عمل می‌کنند، نوع رفتارها و کارکرد جهاد در این گروه‌ها نیز دچار کژی‌ها و انحرافات گسترده‌ای است. به عنوان مثال، جریان داعش استراتژی توازن وحشت و جنایت‌های گسترده را در عرصه‌ی به اصطلاح جهاد خود دنبال می‌کند. داعش در عراق و سوریه با انجام جنایت‌های گسترده و قساوت قلب و با پراکندن بذر ترس و هراس، تلاش می‌کند تا پیشروی‌های متجاوزانه‌ی ارضی خود را آسان سازد. لذا، جریان‌ها تکفیری - جهادی از مسئله‌ی جهاد در راستای اهداف و مقاصد

۱. این نوع ایدئولوژی بر جهاد ابتدایی (تهاجمی) با رویکرد شبکه‌ی جهانی تأکید دارد.



سیاسی خود بهره می‌گیرند، در مورد استراتژی‌های عملیاتی نیز همین امر مشاهده می‌شود. ویژگی دیگر جهادگرایی در گروه‌های تروریستی، عوامانه کردن این حکم و استفاده‌ی ابزاری از آن است. برخلاف فقه اهل سنت که شرایط سختی برای جهاد قائل است و تنها مستلزم اذن از سوی علما آن هم پس از مشاوره با دیگران می‌باشد، این جریان، مفهوم مقدس جهاد را به ابزاری کارآمد برای مبارزه علیه دشمنان خود در درگیری با دولت‌ها و ملت‌ها تبدیل نموده است. رهبران این جریان که دارای صلاحیت و درجه‌ی علمی علمای سنتی نیستند، برای خود صلاحیت صدور حکم جهاد قائل شده و جهاد را یک واجب مغفول معرفی نموده‌اند.

این در حالی است که شیعه و سنی علی‌رغم اختلافاتی که در این زمینه دارند، بر این امر متفق‌اند که جهاد در اسلام تابع قواعد و احکامی است. همچنان که در اجرای استراتژی جهاد، قرآن نخست این حق را با دعوت استیفاء می‌کند و در مرحله‌ی دوم، در دفاع از مسلمانان و اسلام و در مرحله‌ی سوم، به جنگ و قتال می‌پردازد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۶). خداوند متعال در این خصوص فرموده است: «فان اعتزلوكم فلم یقاتلوکم و القوا الیکم السلم فما جعل الله لکم علیهم سیلاً»، «اگر از شما کناره‌گیری کردند و با شما نجنگیدند و با شما طرح صلح افکندند، خدا برای شما راهی (برای تجاوز) بر آنان قرار نداده است (نساء، ۹۰).

تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان، حفظ محیط زیست، منع رنج و درد زائد و ده‌ها حکم دیگر از اصولی بوده که در سنت اسلامی، بر آن‌ها تأکید بسیاری شده است. مطالعه و دقت در آداب جنگ در اسلام، این حقیقت را آشکار می‌کند که آنچه امروزه در نظام حقوق بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته، چهارده قرن پیش‌تر در متن تعالیم اسلام وجود داشته است. بنابراین، فرهنگ اسلام نخستین مبدأ تدوین قواعد انسان‌دوستانه‌ی بین‌المللی بوده است (محقق‌داماد، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲). لذا واضح است که جنایات داعش همچون مثله کردن، شکنجه نمودن اسیران، تهیه‌ی فیلم از صحنه‌ی جنایت، نابودی محیط زیست، استراتژی زمین سوخته و... ابداً با هیچ‌یک از اصول و آموزه‌های اسلامی سازگار نیست. از همین منظر، انتقادات بسیار زیادی از جانب علمای اهل سنت متوجه آنان شده است (مرادی، ۱۳۹۳).

یکی دیگر از مصادیق کج فهمی این جریان، تفسیر آنها از ایمان و کفر است. همانگونه که می‌دانیم فهم قرآن کریم و سنت نبوی به مثابه اساسی‌ترین منابع تشریح اسلامی روشمند است و ضوابط خاص خود را دارد. از این رو استناد به قرآن و روایات بدون ضابطه مشخص و بکارگیری

روشی درست و صرفاً بر مبنای تعصبات، مصداق بارز تفسیر به رأی شمرده می‌شود و بسیار نکوهیده است. این در حالی است که جریان‌های تکفیری با نقل‌گرایی افراطی و با تمسک به ظواهر چند آیه، بدون در نظر گرفتن آیات مفسر آن و گاه با تفسیر گزینشی از آیات قرآن، دیگران را به شرك و بدعت متهم می‌کنند (فتوحی، ۱۳۹۳، ج ۷، ص ۱۵۰). لذا، یکی از دلایل گرایش داعش به خشونت را می‌توان اتباع النص صرف به معنای تبعیت مستقیم از نص دانست. با بیان این مساله که هیچ نکته مبهمی در متن وجود ندارد، از مومنان درخواست می‌کند که مستقیماً به نص رجوع کنند. بنابراین، نقل‌گرایی بی‌ضابطه و بدون بررسی و در نظر گرفتن سایر ادله (قرائن عقلی و نقلی)، در کنار ظاهرگرایی شدید جریان‌های تکفیری در فهم کتاب و سنت، این جریان‌ها را بر آن داشت که بر معانی ظاهری، یک‌سویه و سطحی بسنده کنند و مخالفان خود را به بهانه‌های واهی متهم به بدعت‌گذاری، شرك و کفر نمایند.

به عقیده متکلمان اسلامی، حکم به کفر مسلمان کاری خطرناک و بی‌مبالاتی محض است و به هر دلیل واهی نمی‌توان به خروج مسلمان از دایره اسلام حکم کرد.<sup>۱</sup> محققان اهل سنت معتقدند میان ظاهر و باطن تلازم وجود دارد و هرگز نمی‌توان به سادگی و با مبنا قرار دادن ظاهر افراد آنها را تکفیر کرد. لذا، طبق ضابطه‌های شرعی، عمل و نیت با هم شرط است و دسترسی به نیت افراد هم کار ساده‌ای نیست. پس به عبارتی، حکم تکفیر در مورد افرادی که ظاهر کارشان با ظواهر اسلام مانند اقرار به شهادتین و... متناسب است، غیرممکن می‌نماید و حتی اگر ظاهر عمل کفرآمیز، اما بدون نیت کفر باشد، نیت و عمل با هم حکم را تعیین می‌کند (قرنی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۱۰).

هچنین در فقه اهل سنت نسبت به تکفیر حاکم منع وجود دارد. آنها معتقد هستند که حاکم اسلامی یا باید نصیحت شود و یا دعا و نمی‌توان به تکفیر او پرداخت. در نظام فکری اهل سنت تکفیر حاکم هم معصیت است و هم مجازات دارد. گروه‌های تکفیری بشار اسد را کافر خوانده‌اند و این در حالی است که این امر هیچ‌گاه در فقه اهل سنت سابقه نداشت.

اصل دیگر در خصوص تکفیر این است که هیچ‌گاه فرد نسبت به مجازات افراد اقدام نمی‌کند و این حاکم است که این کار را انجام می‌دهد. شما حتی نمی‌توانید در صورت مشاهده عملی که

۱. تقسیم‌بندی‌های مختلفی توسط متکلمان برای کفر صورت گرفته به گونه‌ای که برخی آن را تا ۳۵ قسم برشمرده‌اند. تمام انواع کفر به دو تقسیم‌بندی می‌گردد: یا به مراتب و مصداق‌ها یا به احکامی که بر آنها مترتب می‌شود.

مستحق حد است، حد آن را جاری کنید. در تفکر اسلامی اجرای حد تکفیر به فرد واگذار نشده است، چون در غیر این صورت جامعه به هم می‌ریزد. عمده مجازات‌هایی که توسط داعش اعمال شده است، توسط افراد صورت گرفته و نه حکومت داعش.

از سوی دیگر، فقهای سنتی در خصوص اعلام تکفیر قائل به احتیاط هستند و به راحتی این حکم را صادر نمی‌کنند و صبر کرده و توجیهاات زیادی را مطرح می‌نمایند تا موضوع مورد تکفیر مرتفع شود. گروه داعش هیچ احتیاطی را در این خصوص نمی‌کند و سریعاً مخالفان خود را تکفیر می‌کند. از این رو امروزه یک دستگاه جدیدی در عرض فقه شیعه و اهل سنت به وجود آمده است که می‌توان نام آن را *فقه التکفیر خواند* (فراتی، ۱۳۹۳).

#### ۴. زمینه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

جریان تکفیری در بستر اندیشه و شرایط محیطی خاص رشد کرده است. هرچند مهم‌ترین زمینه اندیشه تکفیر، تفسیر متصلب و ظاهرگرایانه از نص است، اما تبدیل این اندیشه به کنش خشونت‌آمیز، حاصل زمینه‌های عینی می‌باشد که شرایط را برای بروز و ظهور این اندیشه فراهم نموده است. تحلیل صرفاً اندیشه‌ای از این جریان تنها بخشی از واقعیت جریان تکفیری را تبیین می‌کند. در حالی که تحلیل عینی، شرایط محیطی، منطقه‌ای و بین‌المللی رشد این جریان و تبدیل آن به کنش‌های خشونت‌آمیز در تبیین دلایل رشد و گسترش این جریان نقش مهمی دارد (شیخ حسینی، ۱۳۹۳، ص ۵۰۶). در بررسی سیر تکوین و توسعه اندیشه سیاسی سلفی - تکفیری، یکی از تحولات مهم که نقطه جهش و بازآفرینی این تفکر در جهان اسلام محسوب می‌شود، الغای خلافت عثمانی در سال ۱۹۲۴م به حکم مجلس کبیر ملی ترکیه است. از پیامدهای مهم الغای خلافت، سرخوردگی و شکل‌گیری آرمان خلافت و بازگشت به سلف صالح و خلافت راشده در جهان اهل سنت می‌باشد<sup>۱</sup> که از آغاز تاکنون چهار مرحله را طی نموده است.

**مرحله اول، سقوط خلافت و ظهور آرمان خلافت:** سقوط خلافت عثمانی، ظهور آرمان احیای

۱. پس از الغای خلافت عثمانی این مسئله مطرح شده که آیا این فروپاشی آغاز انحطاط جامعه اسلامی است یا سرآغاز شکوفایی؟ رشید رضا معتقد بود که باید به خلافت بازگشت و عظمت مسلمانان را احیاء کرد. مکان پیشنهادی وی برای احیای خلافت جایی مابین آناتولی و جهان عرب بود که هم ترک‌ها حفظ شوند و هم از نیروی اعراب استفاده شود. ابوبکر بغدادی با تاثیر از رشید رضا نظریه خلافت را در شهر موصل مطرح ساخته است.

خلافت اسلامی و بازگشت به سلف صالح را در پی داشت که متفکرانی چون رشید رضا و نیز جمعیت اخوان المسلمین در بازخیزی و بسط این اندیشه نقش موثری داشتند. به طوری که رشید رضا با هدف احیای خلافت راشد، حتی طرح عملیاتی احیای خلافت پیشنهادی را ارائه کرد که در آن خلیفه، مرکز خلافت (شهر موصل) و شیوه تعیین خلافت (اهل حل و عقد و مجلس الشوری) و شرایط خلیفه (اجتهاد و قرشی) مشخص شده بود.

**مرحله دوم، معالم فی الطريق، نشانه‌گذار راه جهادی تکفیری:** سید قطب نقطه عطف در اندیشه سلفی- تکفیری به ویژه تکفیر سیاسی به حساب می‌آید. از ویژگی‌های این مرحله، ورود مفهوم تکفیر به حوزه عقاید سیاسی- مذهبی جریان سلفی است، که برخلاف تکفیر وهابیت که عقاید فردی مثل توسل و زیارت را شامل می‌شد، همه شئون زندگی اجتماعی و سیاسی را نیز شامل می‌شود.

**مرحله سوم، افغانستان، بستر تکوین تنظیم القاعده و شبکه عنکبوتی تکفیری:** تهاجم شوروی به کشور مسلمان افغانستان در سال ۱۹۷۹م از سویی و سرکوب شدید جریان سلفی - تکفیری در مصر و دیگر کشورهای عربی از سوی دیگر، سبب شد تا به تدریج مجاهدان عرب به سوی افغانستان جهت جهاد با کفار گسیل شوند. در سال‌های جهاد افغانستان با ورود اسلام‌گرایان رادیکال عرب به این کشور، به تدریج بذره‌های يك سازمان جهانی اسلامی به نام القاعده پاشیده شد. اسامه بن لادن در همین زمان با حمایت سازمان اطلاعات آمریکا از عربستان به افغانستان آمد و به مقابله با شوروی پرداخت (عبدالله خانی، ۱۳۸۴، ص ۱۵).

استراتژی القاعده ایجاد شبکه گسترده در جهان و جهاد برای تاسیس امارت‌ها بود که تاسیس امارت طالبان در افغانستان در سال ۱۹۹۵م تا حدی نخستین تبلور بیرونی این اندیشه بود.

**مرحله چهارم، خلافت داعش:** متعاقب حمله آمریکا به عراق (۲۰۰۳م) به بهانه مبارزه با تروریسم، فضا و بستر مناسبی برای شکل‌گیری و فعالیت بسیاری از گروه‌های مسلح همچون تکفیری- جهادی القاعده و گروه‌های بعثی و سنی مذهب که مخالف شرایط جدید بودند، فراهم شد.<sup>۱</sup> در این شرایط گروهی به نام التوحید و الجهاد (جماعت توحید و جهاد) به رهبری ابومصعب

۱. بررسی پایگاه‌های اینترنتی در سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهد که با حمله آمریکا به عراق، حدود یکصد گروه جهادی سنی در عراق تاسیس شدند که پنجاه و نه گروه آن، عضو القاعده و سی و شش گروه عضو انصار السنه بودند (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۹).

زرقاوی در سال ۲۰۰۴م کار خود را آغاز نمود که در ابتدا اغلب نیروهای تروریستی آن عرب زبان بودند. سپس این گروه گسترش یافت و تبدیل به «قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین» گردید تا در این زمان دربردارنده‌ی نیروهای تروریستی عربی و عراقی و غیره یا به عبارت دیگر شامل مهاجرین و انصار شود و بیعت خود را با رهبر القاعده اعلام کرد. سپس این سازمان در اواخر سال ۲۰۰۵م و ابتدای سال ۲۰۰۶م از تشکیل مجلس شورای مجاهدین به امارت شیخ عبدالله رشید بغدادی خبر داد و تعدادی از گردان‌ها و دسته‌های تروریستی را ضمیمه خود نمود. در سال ۲۰۰۶م شهر بعقوبه توسط امریکایی‌ها بمباران و ابومصعب زرقاوی کشته شد. در اکتبر این سال مجلس شورای مجاهدین منحل و ائتلاف المطیبین با همکاری برخی از عشایر بوجود آمد و در این راستا ابوحزمه مهاجر به عنوان امیر سازمان القاعده در عراق تعیین گردید و متعاقب آن دولت عراق اسلامی به رهبری ابو عمر بغدادی تشکیل و اعلام موجودیت نمود. وی با انتشار بیانیه‌ای در سال ۲۰۰۷م عقاید دولت اسلامی را در نوزده بند ذکر کرده است که به خوبی ماهیت این دولت خودخوانده را روشن می‌کند.

در ۱۹ آوریل ۲۰۱۰م با قتل ابوعمر بغدادی و ابوحزمه مهاجر توسط امریکایی‌ها هیات شرعی دولت اسلامی عراق، ابوبکر البغدادی را به عنوان رئیس دولت اسلامی معرفی کرد (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۳۷). این سازمان علاوه بر گروه القاعده، حدود ۱۳ گروه و گردان دیگر را زیر لوای خویش جمع نموده است که با قتل بغدادی در شرایط فعلی فاقد امیر و انسجام هستند، ولی تفکرات سلفی - تکفیری هنوز وجود دارد.

## ۵. نقش قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

یکی از عوامل رشد و گسترش جریان‌های تکفیری، نقش قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است. هرچند زمینه‌های ذهنی و عینی جوامع اسلامی، مستعد رشد چنین جریانی بوده، اما منافع که این جریانات تکفیری برای قدرت‌های بزرگ ایجاد کرده‌اند، این گروه‌ها را به عنوان یک ابزار در سیاست خارجی قدرت‌های بین‌المللی تبدیل کرده است. مهم‌ترین هدف قدرت‌های بزرگ در رابطه با جریان‌های تکفیری، استفاده از ظرفیت آنها برای نفوذ در جهان اسلام و رسیدن به منافع ملی و فراملی خودشان بوده است. در واقع جریان‌های تکفیری تا زمانی که در راستای سیاست‌های قدرت‌های بزرگ عمل کرده‌اند، مورد حمایت مستقیم و غیرمستقیم این قدرت‌ها بوده‌اند، اما در صورتی که منافع قدرت‌های بزرگ از سوی این گروه‌ها مورد تهدید قرار گرفته، به شدت سرکوب

شده‌اند. بنابراین، رشد قارچ‌گونه این جریان‌ها در مقاطع مختلف زمانی، نشان‌دهنده تاثیرگذاری يك متغیر جدید، یعنی نقش قدرت‌های بزرگ در گسترش این جریان‌ها بوده است.

آیت‌الله آصفی از علمای نجف در این زمینه بیان داشته است: زمینه‌های مختلفی موجب شعله‌ور شدن آتش فتنه‌های مذهبی در جهان اسلام شده است که فقط نگاه سطحی به این مساله نقش استکبار جهانی را نادیده می‌گیرد. در حالی که تجربه استعمارگرانی مانند فرانسه، پرتغال، ایتالیا و دیگر کشورهای استعمارگر، نشان‌دهنده استفاده از فتنه مذهبی در داخل ملت‌ها برای رسیدن به اهداف استعمار دارد. جنگ‌های مذهبی به دلیل اینکه زود شعله‌ور می‌شوند، در سیاست استکبار جهانی نقش زیادی دارد. این تجربه استعمارگران قرون گذشته در اختیار امریکا قرار گرفته است (آصفی، ۱۴۳۲ق، ص ۲۲). لذا، با توجه به تاثیرگذاری این متغیر (نقش قدرت‌های بزرگ) در رشد و گسترش جریان‌های تکفیری، به بررسی نقش آن در سه دوره زمانی می‌پردازیم.

#### ۵-۱. بریتانیا و جریان تکفیری

آل سعود، قبیله‌ای در منطقه نجد بود که با داشتن رقبای زیاد و نداشتن پایگاه اجتماعی، برای گسترش قلمرو با چالش‌های جدیدی روبه‌رو بود. با توجه به دور بودن سرزمین نجد در آن زمان از حیطه بازی قدرت‌های بزرگ، بهترین راه برای یک قبیله که آرزوی رهبری سیاسی بر مناطق اطراف داشت، به خدمت گرفتن یک ایدئولوژی با قدرت بسیج‌کنندگی بالای توده‌های اجتماعی بود. محمد بن عبدالوهاب نیز که ارائه دهنده تفسیر جدیدی از دین و به تبع آن استنباط‌های جدید از مساله توحید و شفاعت و... بود، نیاز به یک پشتیبان سیاسی داشت تا تحت حمایت آن بتواند به گسترش نفوذ عقیدتی خود بپردازد. این نیاز دو جانبه وهابیت را به آل سعود نزدیک کرد و با پیوند قدرت و مذهب باعث گسترش قلمرو هر دو نهاد شد.

ترویج آراء و افکار ابن تیمیه توسط محمد بن عبدالوهاب در شرایطی، در دهه‌های نخست قرن ۱۳ و قرن ۱۹ میلادی صورت پذیرفت که امت اسلامی از چهار سو مورد هجوم استعمارگران صلیبی قرار داشت. انگلیسی‌ها بخش زیادی از هند را از دست مسلمانان خارج کرده و به سمت جنوب ایران در حرکت بودند، فرانسوی‌ها با اشغال سوریه، مصر و فلسطین و در رقابت با عثمانی بودند، روس‌ها نیز با حملات مکرر خود به ایران و عثمانی به دنبال توسعه نفوذ خود در جهان اسلام بودند و امریکایی‌ها نیز چشم طمع به کشورهای شمال آفریقا داشتند. در چنین شرایطی که جهان اسلام نیاز به وحدت و همدلی داشت، محمد بن عبدالوهاب مسلمانان را به جرم

«شفاعت‌خواهی از پاکان و زیارت قبور اولیاء الهی» مشرک و بت‌پرست خواند و با برانگیختن اعراب بادیه‌نشین، مناطق سنی و شیعه‌نشین را به خاک و خون کشید و اموال مسلمین را به عنوان غنیمت به غارت برد. مثلث قدرت در شرایط آن روز شبه جزیره به این صورت بود که شریف حسین بر مکه و مدینه حکومت داشت و مورد حمایت عثمانی قرار داشت و بی‌طرفی او در بین مسلمانان پذیرفته شده تلقی می‌شد. آل رشید یکی از قدرت‌های دیگر شبه جزیره بود که مستقیماً تحت نفوذ عثمانی‌ها قرار داشت و جریان وهابیت نیز در نجد مورد حمایت بریتانیا قرار گرفت. با توجه به اینکه سیاست بریتانیا استفاده ابزاری از این جریان در راستای سیاست‌های خود بود، در زمان‌هایی که تحرکات این جریان علیه آنها بود، به مقابله شدید با آنها می‌پرداخت.

با آغاز جنگ جهانی اول، انگلیس دو خاندان آل سعود و شریف حسین را علیه عثمانی تحریک می‌کرد و سیاست این کشور در مورد ابن سعود را می‌توان تابعی از اختلاف این کشور با عثمانی دانست. بعد از فروپاشی عثمانی در برخی موارد که آل سعود رقیبی برای انگلستان در منطقه بود به مبارزه مستقیم نیز کشیده می‌شد. سیر این برخوردها را می‌توان از قرارداد ۱۹۲۵م کاکس (نماینده بریتانیا) مشاهده کرد.

در مجموع رابطه بریتانیا و وهابیت را می‌توان تابعی از نظام بین‌المللی در آن دوره دانست که مهم‌ترین قدرت نظام بین‌الملل یعنی بریتانیا از این جریان افراط‌گرا در راستای سیاست‌های خود بهره‌گرفت و هر زمان هم که منافعش به خطر می‌افتاد، به شدت با آن برخورد می‌کرد.

## ۵-۲. امریکا و القاعده

بعد از جنگ جهانی دوم به دلیل تغییر بازیگران، امریکا و شوروی به عنوان مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل ظهور کردند. امریکا که مهم‌ترین تعارضش در این دوره با منافع شوروی بود، از جریان‌های تکفیری و افراطی همچون القاعده در راستای رسیدن به منافعش بهره می‌برد. از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۹م مبارزان عرب در بسیاری از درگیری‌ها در کنار مبارزان افغان به جنگ با روس‌ها پرداختند و نه تنها با هیچ‌گونه سخت‌گیری از جانب پاکستان، عربستان و امریکا مواجه نشدند، بلکه به ادامه تشویق هم می‌شدند. امریکا در همین رابطه کمک‌های مالی - تسلیحاتی قابل ملاحظه‌ای در اختیار مبارزان افغان حتی عرب‌های افغان قرار داد.

شکست شوروی در افغانستان و فروپاشی بلوک شرق زمینه قدرت بیشتر ایالات متحده را فراهم کرد و فعالیت گروه‌های تکفیری دیگر به نفع امریکا نبود. حادثه ۱۱ سپتامبر بهانه‌ای شد برای اشغال

نظامی افغانستان و عراق و هجمه به جهان اسلام.

### ۵-۳. داعش و منازعه قدرت‌های بین‌المللی

تجربه نشان داده است امریکا و برخی از کشورهای منطقه به تناسب منابع و توان، ظرفیت بهره‌برداری از جریان‌های تکفیری را داشته‌اند. امریکایی‌ها به خوبی می‌دانند که در صورت قدرت یافتن گروه‌های تکفیری، منافع آنها به مخاطره می‌افتد، چراکه این گروه‌ها منشاء ناامنی خواهند شد و این ناامنی در منطقه‌ای که مهم‌ترین مسیر انتقال انرژی جهان است، به ضرر آنها خواهد بود. اما از سوی دیگر گسترش گروه‌های تکفیری- تروریستی در سوریه و کشورهای اسلامی را فرصت خوبی برای اسلام هراسی و همچنین تامین امنیت اسرائیل می‌دانند. لذا، نوعی تناقض در رفتار و سیاست‌های امریکا در خصوص گروه‌های تکفیری مشاهده می‌شود (شیخ‌حسینی، ۱۳۹۳، ص ۷۴).

### ۶. زمینه‌های جغرافیایی و سیاسی

تجربه نشان داده است شرایط و ویژگی‌های محیطی که سرزمین در اختیار انسان قرار می‌دهد، عامل اصلی شکل‌گیری رقابت در صحنه جغرافیایی جهان می‌باشد. تاریخ بشر حاکی از آن است که همیشه جریان حرکت نیروها به سمت مناطق دارای مزیت‌های نسبی بوده و درگیری منطقه‌ای و جهانی نیز در جهت دستیابی به این فرصت‌ها بوده است.

امروزه دستیابی به قدرت، اصلی‌ترین مولفه جهت استیفای مزیت‌های محیطی مورد توجه بازیگران سیاسی در جهان می‌باشد که جغرافیا به عنوان ترکیبی از مردم و اشکال سرزمینی صحنه این بازی را شکل می‌دهد.

در تحلیل‌های ژئوپلیتیکی، گاه يك منطقه از جهان، به دلایل متعددی از دیگر مناطق متمایز می‌شود. این دلایل می‌تواند قرار داشتن در کنار آب‌راهی مهم و بین‌المللی، برخوردار بودن از منابع غنی زمینی و زیرزمینی و موقعیت استراتژیک و قرار داشتن در گذرگاه ترانزیتی بین‌المللی باشد. در این دیدگاه منطقه يك فضای جغرافیایی است که عوامل پیوند دهنده‌ای، اجزای آنها را به هم پیوند می‌دهد و باعث می‌شود تحركات هر يك بر دیگری تاثیر فراوان بگذارد. در این بین ویژگی‌ها و مزیت‌های جغرافیایی منطقه جنوب غربی آسیا همیشه عامل اصلی بحران و درگیری میان ساکنان و قدرت‌های بیرونی بوده که مجموعه این رقابت‌ها، سبب شکل‌گیری جغرافیای سیاسی خاص این منطقه گردیده است. گهواره تمدن، زادگاه سه دین توحیدی بزرگ، تقاطع حرکت و تجارت، پایگاه



امپراتوری‌های گسترده و قرار داشتن بیش از ۶۰ درصد از منابع نفتی و فسیلی دنیا، از جمله ویژگی‌هایی است که این منطقه را از سایر مناطق جهان متمایز و در کانون توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای قرار داده است. این قدرت‌ها حداقل طی دو قرن اخیر با حضور مستقیم و غیرمستقیم در این منطقه، ساختار قدرت را تعیین می‌کردند.

به عنوان نمونه سابقه حضور استعماری انگلستان در خلیج فارس به اوائل قرن نوزدهم بازمی‌گردد. این کشور در راه سلطه کامل خود بر منطقه، ضمن انجام سایر اقدامات، همواره از سیاست تفرقه بیانداز و حکومت کن استفاده کرده و با تشدید اختلافات مرزی بین شیخ‌نشین‌ها، باعث تضعیف هرچه بیشتر آنها می‌شده است. در این مرحله انگلستان توانست شیخ‌نشین‌های بحرین، قطر، دبی، شارجه، ابوظبی، مسقط، عمان و... را زیر سلطه خود درآورده و سپس در نیمه دوم قرن نوزده بعد از تثبیت موقعیت خود کوشش بیشتری در جهت تضعیف دولت‌های ایران و عثمانی به عمل آورد و با تحمیل جنگ‌های متعدد به این دولت‌ها و انتزاع سرزمین‌های مختلف از آنها، توانست جای پای خود را در منطقه محکم‌تر نماید. در ادامه و با حضور سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای، آنان برای حفظ منافع خود همواره تلاش کرده‌اند از یک طرف ائتلاف‌های منطقه را تشکیل دهند و از طرف دیگر به اختلاف‌های داخلی دامن بزنند و به این ترتیب منطقه را به نوارهای شکننده تبدیل کرده‌اند.

از جمله ویژگی‌های دیگر منطقه که زمینه‌ساز شکل‌گیری جریان‌های خشونت‌پیشه شده است، می‌توان به فقر و نارضایتی و هم‌چنین وجود حکومت‌های مستبد و مطلقه اشاره داشت. شکل‌گیری واحدهای سیاسی بدون پشتوانه جغرافیایی - تاریخی و عدم توجه به ساختار اجتماعی نیز بحران مقبولیت و نارضایتی از ساختار سیاسی را به دنبال داشته است. این عامل سبب شکل‌گیری گروه‌های مخالف و ساختارشکن شده و در مقاطع مختلف، ابزار دست بازیگران فرامنطقه‌ای شده‌اند که از جمله جریان‌های فراگیر و خطرناک که بخشی از این منطقه را به خود مشغول داشته است، گسترش و پیشروی جریان تکفیری می‌باشد که با اندیشه شکل‌گیری یک واحد سیاسی، موجودیت خود را با عنوان دولت اسلامی عراق و شام اعلام نموده و مبنای فکری خود را بر تکفیر دیگر شاخه‌های دین اسلام بنا نهاده است (میرشکاران، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۴۵۰).

## ۷. زمینه‌های جامعه‌شناختی

بررسی ساختار اجتماعی کشورهایی که زمینه رشد و فعالیت گروه‌های تکفیری در آنها فراهم

شده، نشانگر نوعی تشدت و از هم گسیختگی درونی آن کشورها است. در این میان کشور عراق از منظر ساختار اجتماعی و به لحاظ تاریخی دارای جامعه‌ای چند پاره و همچنین ضعف هویت ملی مشترک است. چراکه این کشور به نوعی کشوری ساختگی است که از دل عثمانی شکست خورده در جنگ جهانی دوم پدید آمد و پروژه ملت‌سازی در آن کامیاب نبود. ساختگی بودن عراق منجر به شکل‌گیری بافت بسیار نامتجانس به لحاظ ترکیب قومی - مذهبی و قبیله‌ای - طایفه‌ای در این کشور شده که به لحاظ تاریخ مشترکی از زندگی مسالمت‌آمیز با یکدیگر، احساس هم‌بختی و هم‌سرنوشتی نمی‌کنند. به بیان دیگر، تاکنون نتوانسته‌اند شور ملیت را در مردم، جانشین شور هویت قومی و قبیله‌ای کنند (آشوری، ۱۳۸۸، ص ۲۶۸) و این همواره موجب تاثیرگذاری کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در امور داخلی این کشور به واسطه ارتباط با گروه‌های داخلی شده است. لذا، با توجه به اینکه جوامع ناهمگون در مقایسه با سایر جوامع بیشتر در معرض خطر تجزیه و عدم اجماع قرار دارند، بزرگ‌ترین چالش در حوزه داخلی عراق، عدم تجانس ساختار فرهنگی در سه طیف اعراب سنی، شیعیان و کردها و دخالت قدرت‌های خارجی است. بسیاری از اعراب سنی، روند دموکراتیک پس از سقوط صدام را به معنای سلطه شیعیان تفسیر کرده و قواعد بازی دموکراتیک را نپذیرفتند. از طرفی، جلوگیری از تبدیل کشور عراق به دولت الگوی دموکراتیک در بین کشورهای عربی، در دستور کار حاکمان این کشورها قرار گرفت. مجموعه این عوامل داخلی و خارجی و همچنین عدم شکل‌گیری دولت قوی و ضعف ارتش، زمینه و بستر شکل‌گیری، رشد و فعالیت تروریسم و گروه‌های تکفیری را در این کشور فراهم کرده و از طرفی بحران سوریه نیز نقش مهمی در افزایش قدرت این گروه‌ها داشته است.

## ۸. راهکارهای مواجهه

عملکرد جریان‌های تکفیری با ترسیم چهره‌ای غیر رحمانی از اسلام در دنیای معاصر، پیامدهای مختلفی بر جهان اسلام داشته است. از جمله این پیامدها فراموشی آرمان امت اسلامی (به عنوان يك امت واحده و قدرت یکپارچه با توجه به ظرفیت‌ها و امکانات فراوان)، فراموشی اولویت فلسطین، بستن راه‌های تقریب و ناامن‌سازی جهان اسلام و ترویج اسلام هراسی می‌باشد. آنچه که در این میان و با توجه به اهمیت موضوع، ضرورت دارد مورد توجه نخبگان جهان اسلام باشد، ارائه راهکارهای موثر در جهت مقابله و مواجهه با اینگونه جریانات می‌باشد که در ادامه به برخی از راهکارها اشاره می‌شود.

### ۸-۱. ایفای نقش توسط علمای دین و رهبران مذهبی در آگاه‌سازی امت اسلام

یکی از راهکارهای مقابله با فتنه دشمنان در جهان اسلام، ایفای نقش توسط علمای دین و رهبران مذهبی است، چراکه ایشان وظیفه پاسداری از اسلام و ارزش‌های والای آن را بر عهده دارند و براساس شناخت دقیق و عمیق از قرآن، اصول دین و معارف اسلامی، نقش مهم و راهبردی در آگاهی بخشی و راهبری مردم ایفا می‌نمایند. در شرایط فعلی لازم است ضمن برحذر داشتن مردم از تشدید اختلافات فرقه‌ای و مذهبی، با تلاش علمی خود با رویکردهای افراط‌گرایانه و تفریط‌گرایانه در مذاهب که مغایر با کتاب و سنت است، مقابله نمایند (معینی‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۳۲).

### ۸-۲. تدوین راهبرد مشخص

برای مواجهه با سلفیان تکفیری، تدوین و اجرای استراتژی و راهبرد مشخص ضروری است تا براساس ارزش‌های ناب اسلامی، اصول عملی و سنجدیده محور برنامه‌ها قرار گیرد و ضمن مهار و محو فتنه گروه‌های تکفیر، از شکل‌گیری فتنه‌های دیگر جلوگیری کند. لذا، فقدان یک نقشه راه مشخص جهت مواجهه، زمینه گسترش فعالیت این گروه‌ها را فراهم می‌کند. در تدوین راهبردها نیز می‌بایست به ریشه‌ها و زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و روانی توجه ویژه شود.

### ۸-۳. تفکیک و هابیون تکفیری از سلفی‌گری

وهابیون خود را محور اصلی تفکر سلفی قلمداد کرده، ضمن دوری از وهابی نامیدن خود، بر سلفی بودن اصرار دارند. آنان سعی می‌کنند سایر جریان‌های سلفی را با محور خویش مدیریت نمایند. در مواجهه با وهابیون تکفیری، این حرکت انحرافی را باید در تضاد با اصول و باور سلف دانست و بر عدم مصادره این عنوان از سوی آنان تاکید کرد.

### ۸-۴. باورمندی به تقریب مذاهب اسلامی

از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین اصول در جهان اسلام، مساله وحدت، تقریب و انسجام اسلامی است. تقریب به فرقه‌ها و مذاهب اسلامی کمک می‌کند تا با هم‌اندیشی موثر به انتقال اندیشه و تبادل نظر در مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و عقیدتی مبادرت ورزند و به عنوان یک نظام گفتاری موجب اتصال حلقه‌های به هم پیوسته و تنظیم روند حرکت اندیشه اسلامی شوند و به این ترتیب شاهد نوعی رابطه بین‌متنی، بین‌گفتمانی و بین‌ذهنی میان مذاهب جهان اسلام خواهیم بود.

### ۵-۸. گفتگوی روشمند و علمی

در مواجهه علمی با جریانات تکفیری، رعایت اصول، انتخاب بهترین سبک گفتگو و انتخاب بهترین موضوع می‌تواند نسبت به تفوق و پیشرفت بحث کمک کند. در این راستا نکات زیر قابل توجه است:

گفتگو براساس ادب قرآنی، گفتگوی مستقیم و شیوه ورود به بحث و مدیریت موضوع.

### ۶-۸. تمرکز بر تناقضات موجود در آراء

یکی از نکات مهم در مواجهه با صاحبان تفکر تکفیری، تناقضات موجود در آراء و افکار آنان است. دو نمونه مهم در این راستا، حمله آنان بر تأویل‌گرایان با تکیه بر ظاهرگرایی و تعطیلی عقل در کنار پذیرش تأویل در موارد متعدد و نیز اتهام دیگران به شرك در کنار افتادن آنها به شرك در مسأله نسبت صفات و ذات است (پورامینی، ۱۳۹۳، ص ۳۰۶).

### ۹. چشم‌انداز آینده

تبیین چشم‌انداز گروه‌های تکفیری در جهان اسلام مستلزم درک ابعاد مختلف درونی و بیرونی این پدیده پیچیده و همچنین شناخت رویکرد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به این جریان است. منطقه جنوب غرب آسیا همچنان که صحنه منازعه بین‌المللی است، به صحنه‌ای برای رقابت‌های استراتژیک منطقه‌ای نیز تبدیل شده و تا زمانی که صحنه غبارآلود و متشنج باشد، فضا برای رشد جریان‌های افراطی مناسب خواهد بود. اما از طرفی بیداری اسلامی و خیزش‌های اخیر در منطقه نشان‌گر میل و اولویت دادن ملت‌ها به رشد و توسعه اجتماعی است و این موج تغییرخواهی علمی‌رغم مقاومت برخی از حاکمان و حضور جریان‌های افراطی، هم در ابعاد آزادی‌خواهانه و هم استقلال‌خواهانه، در بین ملت‌های منطقه رو به فزونی است و به روندی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. از این منظر رویکرد مسلمانان منطقه به مدل اسلام سیاسی که بتواند کارویژه‌های دولت را با کارآمدی بالا ایفا کند، در حال ارتقاء است و بازیگران منطقه‌ای نیز با ناکامی در سیاست‌های خود در قبال جریان‌های افراطی، چاره‌ای جز واقع‌بینانه کردن نگاه و رفتار خود ندارند. از سوی دیگر، از آنجا که این پدیده تنها کشورهای اسلامی را تهدید نمی‌کند، بلکه گسترده شدن آن منافع سایر کشورها را نیز به مخاطره انداخته است، قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز مجبور به اتخاذ دیپلماسی متفاوتی در منطقه خواهند بود. هرچند که رسیدن به ثبات و فرایند تثبیت

کامل امنیت منطقه زمان‌بر خواهد بود.

### ۱۰. نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام در دوره معاصر ظهور جریان‌های تکفیری می‌باشد که قطعاً جهل به مبانی اسلام، تندروی و افراطی‌گری، اهداف و اغراض سیاسی و همچنین حمایت استعمار و استکبار، از زمینه‌های شکل‌گیری مصیبت تکفیر در جهان اسلام بوده است. برای برون رفت از این معضل ابتدا باید ریشه‌ها، عوامل و بسترهایی که این جریانات در آن شکل گرفته و رشد نموده‌اند را شناسائی و سپس با ارائه راهکارهای عالمانه و دقیق به مواجهه با آنها پرداخت.

همان‌گونه که اشاره شد پیشینه تکفیر در جهان اسلام، به صدر اسلام بازمی‌گردد و طلایه‌دار تکفیر، گروه خوارج بوده است. این جریان تکفیری مخالفان خود را کافر و خون و مالشان را حلال می‌دانست. پس از خوارج، نیز افراد و گروه‌هایی بوده‌اند که به بهانه‌هایی همچون خلق قرآن، تشبیه و... مخالفان خود را کافر قلمداد کرده‌اند، اما مهم‌ترین شخصیتی که تاثیرگذاری زیادی بر جریان‌های افراطی و تکفیری هفت قرن اخیر داشته، ابن تیمیه حرانی از علمای حنابله و پس از او محمد بن عبدالوهاب است. در دوره معاصر نیز جریان‌های خشونت‌پیشه سلفی - تکفیری همچون داعش، با بهره‌گیری از شرایط بوجود آمده در منطقه و برگرفتن پرچمی جدید و اقدامات خشن و همچنین عقاید و باورهای انحرافی از اسلام، توانسته‌اند در بخش‌هایی از کشورهای منطقه به ویژه عراق و سوریه نفوذ کرده و دست به خشونت‌بارترین رفتارها آن هم با رنگ و لعاب دینی و اعتقادی بزنند.

## منابع

- قرآن کریم.
۱. ابراهیم‌نژاد، محمد؛ فرمانیان، مهدی (۱۳۹۳). *داعش دولت اسلامی عراق و شام، تحلیل و بررسی تاریخ و افکار*. قم: دارالاعلام لمدرسه اهل‌البيت(ع).
  ۲. ابراهیمی، شهروز؛ ستوده، علی اصغر (۱۳۹۳). *آسیب‌شناسی رشد جریان‌های تکفیری*. در: مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه اسلام. قم: دارالاعلام، ج ۵، ص ۴۱-۳۱۹.
  ۳. ابن اعثم کوفی (۱۹۹۱م). *کتاب الفتوح*. بیروت: چاپ علی شیری.
  ۴. آشوری، داریوش (۱۳۸۸). *هویت ملی و پروژه ملت‌سازی*. تهران: آگه.
  ۵. آصفی، محمد مهدی (۱۴۳۲ق). *الامه الواحد هو الموقف من الفتنة الطائفية*. نجف: مجمع‌العالمی لاهل‌البيت(ع).
  ۶. بخشی شیخ احمد، مهدی (۱۳۸۵). *جهاد: از ابن تیمیه تا بن لادن*. علوم سیاسی، شماره ۳۴.
  ۷. بغدادی، ابومنصور (۱۹۷۷م). *الفرق بین الفرق و بیان الفرقه الناجیه*. بیروت: دارالآفاق الجدیده.
  ۸. پورامینی، محمدتقی (۱۳۹۳). *راهکارهای مواجهه با جریان‌های سلفی تکفیری*. گزارش راهبردی، شماره ۸.
  ۹. سیدنژاد، سیدباقر (۱۳۸۹). *سلفی‌گری در عراق و تاثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران*. مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۱، مسلسل ۴۷.
  ۱۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۹۷۴م). *تاریخ الخلفاء*. بیروت: بی‌نا.
  ۱۱. شوشتری، نورالله (۱۳۶۷). *الصوارم المهرقه فی نقد الصوارق المحرقه*. تهران: چاپ جلال‌الدین محدث ارموی.
  ۱۲. شیخ حسینی، مختار (۱۳۹۳). *سه ضلعی رشد و گسترش داعش در عراق*. گزارش راهبردی، شماره ۸.
  ۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۶). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.
  ۱۴. طوسی، نجم‌الدین (۱۳۸۵). *سلفیان در گذر تاریخ*. قم: امیرالعلم.
  ۱۵. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۴). *امنیت بین‌الملل*. تهران: موسسه ابرار معاصر.
  ۱۶. غفاری، ابوالفضل (۱۳۹۳). *اصول روش‌شناسی سلفیه*. در: مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه اسلام. قم: دارالاعلام، ج ۲.
  ۱۷. فتحی، علی (۱۳۹۳). *روش‌شناسی جریان‌های تکفیری در فهم کتاب و سنت*. در: مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه اسلام. قم: دارالاعلام، ج ۷.
  ۱۸. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۹۳). *نشست علمی با عنوان: بررسی فقهی جریان‌های تکفیری*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
  ۱۹. فرمانیان، مهدی (۱۳۹۳). *جریان‌شناسی سلفی‌گری معاصر*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع).
  ۲۰. فیروزآبادی، حسن (۱۳۹۳). *تکفیری‌های داعش را بهتر بشناسیم*. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
  ۲۱. قرنی، عبدالله بن محمد (۱۴۱۳ق). *ضوابط التکفیر عند اهل السنه و الجماعه*. بیروت: الرساله.
  ۲۲. محقق‌داماد، مصطفی (۱۳۸۶). *سلوک بین‌المللی دولت اسلامی*. قم: مرکز نشر علوم اسلامی.
  ۲۳. مرادی، عبدالله (۱۳۹۳). *جهادگرایانی که متعارض با فقه اهل سنت رفتار می‌کنند*. پایگاه تحلیلی-تبیینی برهان. قابل دسترس در: [www.islamtimes.org/fa/article/442941](http://www.islamtimes.org/fa/article/442941)
  ۲۴. معینی‌نیا، مریم (۱۳۹۳). *وهابیت و تکفیر*. حبل‌المتین، سال سوم، شماره ۸.
  ۲۵. میرشکاران، یحیی (۱۳۹۳). *تحلیل جغرافیایی-سیاسی علل شکل‌گیری و گسترش بنیادگرایی اسلامی*. در: مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه اسلام. قم: دارالاعلام، ج ۶.
  ۲۶. نباتیان، اسماعیل (۱۳۹۳). *الگوی حکومت در اندیشه جریان سلفی تکفیری*. در: مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه اسلام. قم: دارالاعلام، ج ۲.
  ۲۷. یزدانی، سیدمحمد (۱۳۹۳). *فتاوی‌ای جریان‌های تکفیری در جواز قتل مسلمانان*. قم: دارالاعلام لمدرسه اهل‌البيت(ع).